



عوامل و بازیگران فیلم جدید حاتمی کیا در گفت و گو با «فرهنگستان» از «خروج» می‌گویند

روایت وسترن ایرانی

«خروج» فیلم سختی است. دوربینش ساکت و گوشه‌نشین نیست. انگار ابراهیم حاتمی کیا این چند ساله قرار نیست فیلم راحت بسازد. او این بار قصه اعتراض را به دل جاده و شهرهایی غیر از تهران برده است. با تعدادی از عوامل فیلم «خروج» گفت‌وگو کردیم تا قطعات پازل بیستمین فیلم حاتمی کیا کنار هم چیده شوند.



عاطفه جعفری روزنامه‌نگار

کامبیز دیرباز، بازیگر:

وسترن ایرانی در «خروج» حاتمی کیا

کامبیز دیرباز آخرین بازیگری بود که همزمان با اتمام پروژه «خروج» نامش به عنوان بازیگر این فیلم برده شد. با او گفت‌وگویی قبل از شروع جشنواره داشتیم و حالا با شروع فجر سی و هشتمین واکران این فیلم در سینماهای مردمی، این گفت‌وگوی کوتاه را می‌خوانید.

۱۱۱

«طبعیتا نباید خیلی در مورد فیلم صحبت کنم، اما به عنوان یک دوستدار سینمای حاتمی کیا باید بگویم که او یک شاهکار جدید را رقم زده است. در فیلم «به نام پدر» هم که بازی کردم، تقریباً چنین چیزی را شاهد بودیم. آن موقع اعتراض به وضعیت بازماندگان جنگ و اثرات مخربی که جنگ داشت، بود، اما فیلم «خروج» به وضعیت فعلی و اعتراضی که مردم، مخصوصاً قشر آسیب‌پذیرتر مانند کشاورز دارند، است. آخرین سکانس فیلم را هم گرفتیم اما نمی‌شود در مورد آن صحبت کرد. اما مطمئناً راهکاری برای این موضوع دارند و راه‌حلی هم برای رفع اعتراض فیلم، حاتمی کیا همیشه در فیلم‌هایش قهرمان دارد. قهرمانی که جامعه به آن نیاز دارد. من کارهای قهرمان‌محور را دوست دارم و فکر می‌کنم که مردم به این مدل سینما احتیاج دارند، اما چندین سال است که سینما به سمت چندین نقش اول رفته است، مثلاً فیلمی را می‌بینید که مردم هم آن را دوست دارند اما چندین نقش اصلی دارد ولی من کمی سلیقه‌ام به سمت تک‌قهرمانی است، برای همین چند سالی است که ایده‌آل‌هایم را در متن‌های سعید نعمت‌الله پیدا می‌کنم و بازی کردم. حاتمی کیا همیشه فیلم‌هایش قهرمان دارد، طبیعتاً یکی از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین قهرمان‌هایش، حاج کاظم آژانس شیشه‌ای است که به نظرم خیلی قهرمان جذابی است و می‌توانم بگویم که هنوز هم بهترین قهرمان فیلم‌های حاتمی کیا است. اما نظرم در مورد «خروج» متفاوت است، اسم قهرمان فیلم رحمت بخشی است و به نظرم قابل مقایسه با هیچ کدام از فیلم‌های حاتمی کیا نیست. می‌توانم بگویم یک وسترن ایرانی است. در فیلم خروج کاملاً با مولفه‌های فیلم وسترن روبه‌رو هستیم. فیلم بسیار جذابی است، مدت‌هاست فیلم‌های ما در مورد شهرنشینی است و لوکیشن‌ها اکثراً داخل تهران و نهایتاً حول و حوش جنوب تهران است. اما در این فیلم دوربین حاتمی کیا به یک شهرستان رفته است. کاراکتر آقای قربیان در این فیلم خیلی کاراکتر خاصی است و شبیه هیچ کدام از قهرمان‌های قبلی حاتمی کیا نیست.»

علیرضا صالحی، برنامه‌ریز و دستیار کارگردان:

لحن متفاوت حاتمی کیا مخاطب را غافلگیر می‌کند

هر مطلبی که در مورد «خروج» تا الان شنیده‌اید، همه گمانه‌زنی است و نزدیک به قصه نیست. باید بگویم این فیلم متفاوت از همه آثار حاتمی کیا است و اصلاً شبیه سه فیلم قبلی او نیست. «خروج» لحن دیگری از سینمای حاتمی کیا را نشان می‌دهد. یک غافلگیری برای مخاطب، همین لحن متفاوت خواهد بود. به عقیده من، «خروج» حرف امروز جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. فیلمبرداری این کار از گجساران شروع شد و ویژگی‌ای که این فیلم نسبت به فیلم‌های دیگر حاتمی کیا دارد، انتخاب بازیگران آن است. بازیگران این فیلم از بین افرادی انتخاب شده‌اند که شاید به حق یا ناحق مدتی با سینما فخر کرده‌اند یا اینکه سینما با آنها فخر بود است. بازیگرانی انتخاب شده‌اند که طی این سال‌ها، آنها را کمتر روی پرده سینما دیده‌ایم. البته که این کار سختی‌هایی هم داشت. سن و سال حدود ۱۲ نفر از این بازیگران، حداقل بالای ۶۰ سال بود. از طرفی یکی از اجزای اصلی این فیلم، «تراکتورسواری» است. خیلی‌ها قبل از اینکه به سمت آن بروند فکر می‌کنند یک وسیله نقلیه‌ای است که روی دنده می‌گذارند و راه می‌روند، اما متأسفانه خیلی از دوستان بازیگر، چه خانم‌ها و چه آقایان، موقع آموزش تراکتورسواری از کار در این انصراف دادند، به این دلیل که وقتی یکی دو دور با تراکتور کار کردند دیدند نمی‌توانند و بدن آنها به لحاظ جسمی جواب نمی‌دهد. بخش عمده‌ای از فیلم ما هم تمرکز روی تراکتورسواری در جاده و در حرکت است. به عقیده من این سخت‌ترین بخش کار فیلم «خروج» بود، چالشی که در انتخاب بازیگر داشتیم و اینکه بتوانند به راحتی از تراکتور استفاده کنند و برای خودشان شود. من همیشه مثالی که به بازیگران می‌زدم این بود که این تراکتور برای شماست، باید همانند اسب زور و باشد که سوت می‌زد و اسب می‌آمد. به هر حال کار در گرمای ۶۰ و ۶۵ درجه در رطوبت بالا و گرمای زیاد برای این دوستان با سن و سال بالا، فیلم سختی بود ولی همه از جان مایه گذاشتند و با جان و دل پای کار ایستادند. با وجود اینکه در مراحل صداگذاری، موسیقی و تدوین، کار نصفه‌نیمه است ولی هر کسی که فیلم را دیده، یکی از ویژگی‌های شاخص فیلم را بازی بازیگران آن می‌داند. اینکه در این فیلم بازی بازیگران خوب از آب درآمده به این خاطر است که آنها پس از سال‌ها دوری به سینما آمده بودند و همین انگیزه‌شان را مضاعف کرده بود تا یک اثر ماندگار از خود به جای بگذارند. یکی دیگر از مشکلات ساخت فیلم این بود که برای ضبط صحنه‌های مهم مربوط به حرم حضرت معصومه (س) به مشکل برخوردیم و دوستان به‌رغم قولی که داده بودند، عمل نکردند و مجبور شدیم لوکیشن را عوض کنیم، اما تصویربرداری مابقی صحنه‌هایی که می‌خواستیم در قم ضبط شود، به خوبی و طبق برنامه انجام شد. لوکیشن ریاست جمهوری را هم در همان شهر قم درست کردیم.

محمد برادران، مدیر جلوه‌های ویژه:

تراکتورهایی شبیه اسب‌های وسترن

ابراهیم حاتمی کیا در فیلم‌های اخیرش همچون «چ»، «بادیگارد» و «به وقت شام» از جلوه‌های بصری ویژه‌ای بهره برده است. او اعتماد خاصی به جوان‌های ایرانی در تولید جلوه ویژه بصری دارد و برای فیلم جدیدش «خروج» هم به سراغ محمد برادران رفته است. محمد برادران از جلوه‌های ویژه بصری در فیلم جدید حاتمی کیا این گونه گفت:

«یک نکته مهم در مورد فیلم خروج این بود که جدا از بحث جلوه‌های ویژه که دست جوان‌ها بود، اکثر عوامل فنی کار هم جوان بودند. میانگین سنی بچه‌هایی که برای جلوه‌های بصری این فیلم کار کردند، به ۲۵ سال نمی‌رسد و به جرات بتوان گفت سخت‌ترین و بیشترین جلوه‌های ویژه‌ای که تا الان فیلم‌های سینمایی در ایران به خود دیده در فیلم خروج است. این پروژه ۴۸۰ پلان داشت. شاید بالای ۵۰ دقیقه از این فیلم جلوه‌های ویژه بصری است. تاکنون در سینمای ایران چیزی به اسم آب در جلوه‌های ویژه نداشتیم چون شبیه‌سازی آب و رودخانه جزء سخت‌ترین شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای است. در این فیلم ۱۲ یا ۱۸ پلان داریم که پلان‌های سیل و آب است. همه کامل شبیه‌سازی شده و خدا را شکر کار خوب از آب درآمده است. دقیق نمی‌توانم بیان کنم چون آمار دقیقی ندارم ولی بیشتر از ده‌ها هزار فریم در گجساران که لوکیشن اولیه فیلم بود، عکاسی کردیم.

از قریب‌بان تا بازیگرانی که در سکانس جاده مرگ هستند، همه اسکن تری‌جی شدند و در جاده مرگ همه ماشین‌ها و... اسکن شده و واقعی است. باید فیلم را ببینید تا موضوع مشخص شود. حجم زیادی روتوسکوپی داشتیم. ۴۸۰ پلان سنگین داشتیم که شاید نزدیک به ۲۵۰ اسکن تری‌جی بود. قرار است در خروج یک وسترن جاده‌ای را ببینیم و خود حاتمی کیا نیز همین نیت را داشت. از ابتدا همیشه می‌گفت این تراکتورها اسب‌های وسترنی هستند. حاتمی کیا فضای وسترن را دوست دارد و به نظرم به آنچه می‌خواست بسیار نزدیک شد و در حجم زیادی از پلان‌ها همین وسترن را می‌بینیم. البته این نظر من است و نمی‌توان قطعی گفت این فیلم وسترن است ولی با توجه به بحث صحنه و محیط و المان‌ها و نوع تصاویر و زاویه‌های دوربین می‌توانم بگویم خیلی به این مساله نزدیک شدیم.»

محمد فیلی، بازیگر:

باید ۱۰ سال پیش این فیلم را بازی می‌کردم

من و دوستانم در این فیلم همگی روستایی هستیم. روستاییان کشاورزی که از قومیت‌های مختلف اعم از آذری زبان، لر، فارس و... هستند. البته قرار نبود من لری صحبت کنم چون ممکن بود با توجه به اینکه ممکن است تسلط کافی به زبان لری نداشته باشم، یک جاهایی اشتباه کنم و برای مخاطب برخوردند باشد. اما لحن و آهنگ خاصی بود که همه می‌فهمند چه گفته می‌شود، در واقع واژه‌های غلیظ لری نبود. ته لجه کمی که مشخص کند این لر است اما لباس من دقیقاً لباس لر بختیاری بود، به علاوه تفنگ، فشنگ، دوربین و هر چیزی که همراه من بود. همه پشت تراکتورها به سمت تهران می‌آمدیم که به خواسته خود برسیم.

من خیلی کار اعم از سریال و فیلم داشتم، اما فکر می‌کنم کار حاتمی کیا مخصوص خود ایشان است و تا امروز این چنین ندیده بودم که با دوربین مخصوصی که وجود داشت دکوپاژ کند و پلان‌هایی که می‌خواهد انتخاب کند. من چندبار تمرین می‌کردیم و تمرین‌ها تمرین خطی بود که ایشان دکوپاژ می‌کرد و پلان‌هایی که مدنظر داشت به من می‌گفت و او یادداشت می‌کرد. بعد هم دوربین را می‌گذاشت و کار راحت‌تر می‌شد.

این مدل کارگردانی از یک جهت خوب بود ولی سختی‌های خودش را هم داشت. من هیچ‌وقت دوسه ماه در هیچ کاری هر روز آفیش نبودم اما این تنها کاری بود که هر روز ساعت ۶ آفیش می‌شدیم و اگر روز بود تا زمانی که نور بود و اگر شب بود تا زمانی که تاریکی بود، فیلم می‌گرفتیم. ما از گرمای ۴۷ درجه گجساران کار را شروع کردیم. به لحاظ گرما خیلی شرایط سختی بود، دستان من سوخته بود و فکر می‌کردم همانند جزامی‌ها تاول زده است. فکر کنید ساعت‌ها پشت تراکتور نشستیم در بیابان و حرکت کردن باعث شده بود خیلی اذیت شویم.

بعد از گجساران دور روز در تهران بودیم استراحت کردیم. بعد از دور روز به قم رفتیم. آنجا برف آمده بود و هوا به شدت سرد بود. یعنی در فاصله بسیار کم از یک گرمای شدید به سرما آمدیم و این خیلی آزارمان می‌داد. یک سری از بازیگران گرمایی بودند و در گجساران اذیت شدند و برخی نیز سرمای بودند و در سرمای قم اذیت می‌شدند. احتمالاً نظر خود حاتمی کیا هم همین باشد که این سخت‌ترین کاری بود که انجام دادیم. ابتدا ۱۳ نفر آدم هستیم و بعد به مرور حرکت می‌کنیم ۵ نفر از گروه کم می‌شود و ۸ نفر به سمت تهران حرکت می‌کنیم و در قم می‌مانیم و از آنجا با ملاقاتی که می‌شود به سمت روستا و ولایت خود باز می‌گردیم ولی این مدت به شدت سخت می‌گذشت. همیشه به دوستان می‌گفتم در «مختارنامه» ۶ سال کار کردم ولی به این سختی نبوده که این طور باشد و هر روز بیابیم و در گرما و سرما کار کنیم. این برای من سخت‌ترین کار بود ولی جذاب بود. باید تجربه می‌کردیم و این کار هم تجربه خوبی برای من بود که این گونه کار کنیم. تازه فهمیدم پیر شده‌ام و در طول کار همیشه فکر می‌کردم باید ۱۰ سال پیش این فیلم را بازی می‌کردم که آنقدر اذیت نشوم. این کار در ۷۰ سالگی برای من خیلی سخت بود.

امیدوارم که مخاطب کار را ببیند تا همه خستگی‌ها از تن بین برود. پیچیدگی کار حاتمی کیا در فیلم خروج بسیار زیاد است. تا روز آخر او برای ما قصه را بازگو نکرد که قرار است چه اتفاقی بیفتد. اما مطمئناً که مخاطب جذب این فیلم خواهد شد. چون برای تک‌تک صحنه‌های فیلم سختی زیادی کشیده‌ایم.

